

آموزش توحیدمحور (نظر به وجه پایدار انسان‌ها راه‌هایی از تنهایی‌ها)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ (مائده/ ۱۰۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما باد، رعایت نفس
الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين (زخرف/ ۶۷)
آن روز دوستان دنیایی دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران
قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

خَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَ نَوَائِبُهُمْ يَجْرِي إِلَى دِيْوَانِهِمْ مِنْ غَرَسِ نَخْلًا وَ مَنْ حَفَرَ بَيْتًا وَ مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا وَ مَنْ كَتَبَ مِصْحَفًا وَ مَنْ خَلَّفَ ابْنًا صَالِحًا؛

(پنج نفر از دنیا رفته‌اند ولی پرونده آنها بسته نشده و دائماً به آنان ثواب می‌رسد: کسی که درختی کاشته، کسی که چاه آبی برای مردم حفر کرده، کسی که مسجدی ساخته، کسی که قرآنی نوشته، کسی که فرزندی شایسته از خود به جای گذارد.

شما وجهی دارید که مطابق آن وجه به خوردن چلوکباب تمایل دارید و از طریق چلوکباب جواب آن وجه خود را می‌دهید. یا رفیقی دارید که به او علاقه‌مندید و برای جواب به علاقه‌ی خود یک مهمانی خیلی خوب برایش ترتیب می‌دهید و عجیب است چیزی نمی‌گذرد که به راحتی با او قطع رابطه می‌کنید و ممکن است کینه‌ی او را هم به دل بگیرید. چون رابطه‌ی شما در حد تن و عواطف مادی بود که با پذیرایی از بدن او و دادن یک غذای خوب می‌خواستید جواب آن علاقه را بدهید و چون امور مادی و عواطف و همی پایدار نیستند امیدی به ادامه‌ی آن رابطه نیست. در حالی که اگر انسان‌ها با وجه پایدار خود که وجه دیگر انسان است، با همدیگر ارتباط برقرار می‌کردند شکل کار تماماً فرق می‌کرد و عملاً به فرهنگ پیامبران \square ناسی می‌کردند که همواره وجه پایدار انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دادند.

این که ملاحظه می‌کنید طرف گله می‌کند که برای فرزندش زحمت‌ها کشیده تا دکترایش را گرفته و حالا که ازدواج کرده شش سال است سراغ پدرش را نگرفته، به جهت آن است که تمام توجه خود را به وجه ناپایدار فرزندش مشغول کرد، باید پرسید مگر چه کاری برای فرزندت کردی وقتی به وجه پایدار \square او توجه نمودی و تماماً به وجه ناپایدار او نظر داشتی، معلوم است که ناپایدار، پایدار نخواهد ماند و در نتیجه حالا که فرزندش رفته تمام آن زحمت‌ها با رفتن او از دستش می‌رود. در صورتی که اگر به وجه پایدار او توجه می‌کرد، هیچ‌کدام از زحمت‌هایش از دست نمی‌رفت. زیرا این یک اصل است که اگر شما در برخورد با خودتان و پیرو آن با بقیه، متوجه وجه پایدار خود باشید هرگز با بی‌ثمری تلاش‌های خود روبه‌رو نمی‌شوید. وقتی تمام توجهات به وجه ناپایدار فرزندتان باشد عهدی با همدیگر ندارید که بخواهید بر آن بمانید، «عهد و وفا» مربوط به وجه پایدار ما است، همان‌طور که عهد ما با خدا در فطرت و سرشت ما قرار دارد. فرزندتی که والدین خود را فقط انبار پول و غذا ببینند، نمی‌تواند با آن‌ها ارتباط حقیقی پیدا کند، در حد یک احساسات سطحی به آن‌ها گرایش دارد، بعضی مواقع هم به آن‌ها توهین می‌کند، روز مادر براساس همان احساسات سطحی به مادرش گل هدیه می‌دهد بدون این که ارزشی واقعی برای او قائل باشد.

آموزش توحیدمحور (نظر به وجه پایدار انسان‌ها راه‌هایی از تنهایی‌ها)

اولین قدم جهت ارتباط حقیقی با خودتان نگاه به وجه پایدارتان می‌باشد و اگر انسان‌های بزرگ توانستند از پوچی نجات پیدا کنند به جهت آن بود که فهمیدند کدام عمل و کدام فکر دروغ است و کدام راست، زیرا توانستند به وجه پایدار خود بنگرند و از آن زاویه همه چیز را ارزیابی کنند. آیت‌الله ملکی تبریزی «رحمة‌الله‌علیه» در کتاب لقاءالله می‌فرماید: «افرادی که انواری از اسرار هستی بر دل آنان تابیده و برخی از حجاب‌های ظلمانی را کنار زده‌اند باید به فکر معرفت نفس باشند تا همه‌ی حجاب‌های ظلمانی، حتی حجاب خیال و صورت‌ها کنار رفته و حقیقت‌شان بی‌ماده و صورت برای آنان تجلی کند». آیت‌الله حسینقلی همدانی «رحمة‌الله‌علیه»؛ استاد آیت‌الله ملکی تبریزی در روش سلوکی خود از طریق معرفت نفس می‌فرماید: «اگر انسان تجلی حقیقت خود را به نورانیت و بدون صورت و حد ببیند راه ترقیات به سوی عوالم عالیه را پیدا کرده، هر قدر سیر کند اثرش را حاضر خواهد یافت.» آیت‌الله ملکی در نامه‌ای که به حاج شیخ محمد حسین اصفهانی می‌نویسد در شرح روش سلوکی استاد خود می‌گوید: «برای مبتدی می‌فرمود در مرگ فکر کن تا آن وقتی که از حالش می‌فهمیدند فی الجمله استعدادی پیدا کرده، آن وقت به عالم خیالش ملتفت می‌گردند، برای چند روزی هم در طول روز و شب در این فکر کند که بفهمد هر چه خیال می‌کند و می‌بیند خودش است و از خودش خارج نیست، اگر این را ملکه می‌کرد خودش را در عالم مثال می‌دید و حقیقت عالم مثالش را می‌فهمید»

مباحث معرفت نفس چنین جایگاهی دارد که انسان متوجه می‌شود هر چه می‌بیند در نفس اوست و اگر انسان به صورتی حضور متوجه این امر شود می‌تواند استاد خودش باشد و با خود به بهترین نحو تعامل کند، به طوری که اگر از مقصد خود و انس با معانی عقب افتاد می‌فهمد و فقط به ظاهر اعمال راضی نیست چون همواره به وجه پایدار خود نظر دارد.

در دنیای اطراف ما پایدارترین پایدارها خودمان هستیم که هرگز از آن نمی‌توانیم جدا باشیم حتی موقعی که خواب هستیم و از همه‌ی آنچه اطرافمان می‌گذرد بی‌خبریم، خودمان هستیم که خوابیده‌ایم، با همه‌ی آن فکرها و خیال‌ها. به گفته‌ی مولوی:

چون خیالی آمد و در تو نشست
هر کجا که می‌گریزی، با تو هست
تو تنائی زان خیالت واره‌ی
یا بخشبی تا از آن بیرون جهی

افرادی که با این تصور خودکشی می‌کنند که می‌خواهند از دست خودشان راحت شوند غافل‌اند که این‌ها تن خود را از بین می‌برند و رابطه‌ی خودشان با تن‌شان قطع می‌شود ولی باز هم خودشان هستند با همه‌ی آن افکار و خیالات، به علاوه این‌که گناه و عذاب خودکشی را هم بر روح خود تحمیل کرده‌اند، چون پایدارترین پایدارها خود اوست و همواره ادامه دارد. آری در مباحث معرفت نفس به پایدارترین پایدارها در رابطه با انسان پرداخته می‌شود. در عالمی که همه چیز ناپایدار است مگر خودتان، اگر بیش از آن که توجه‌تان به امور ناپایدار عالم باشد به خودتان باشد و آن حقیقت پایدار را فدای امور ناپایدار نکنید و ابدیت خود را در منظر خود داشته باشید زندگی معنی دیگری به خود می‌گیرد و از تصمیم‌های غلط آزاد می‌شوید. در همین رابطه تأکید می‌کنیم در تعامل با سایر انسان‌ها نیز باید حرفی در میان باشد که متذکر وجه پایدار آن‌ها باشد و آن وجه را مخاطب قرار دهیم.